

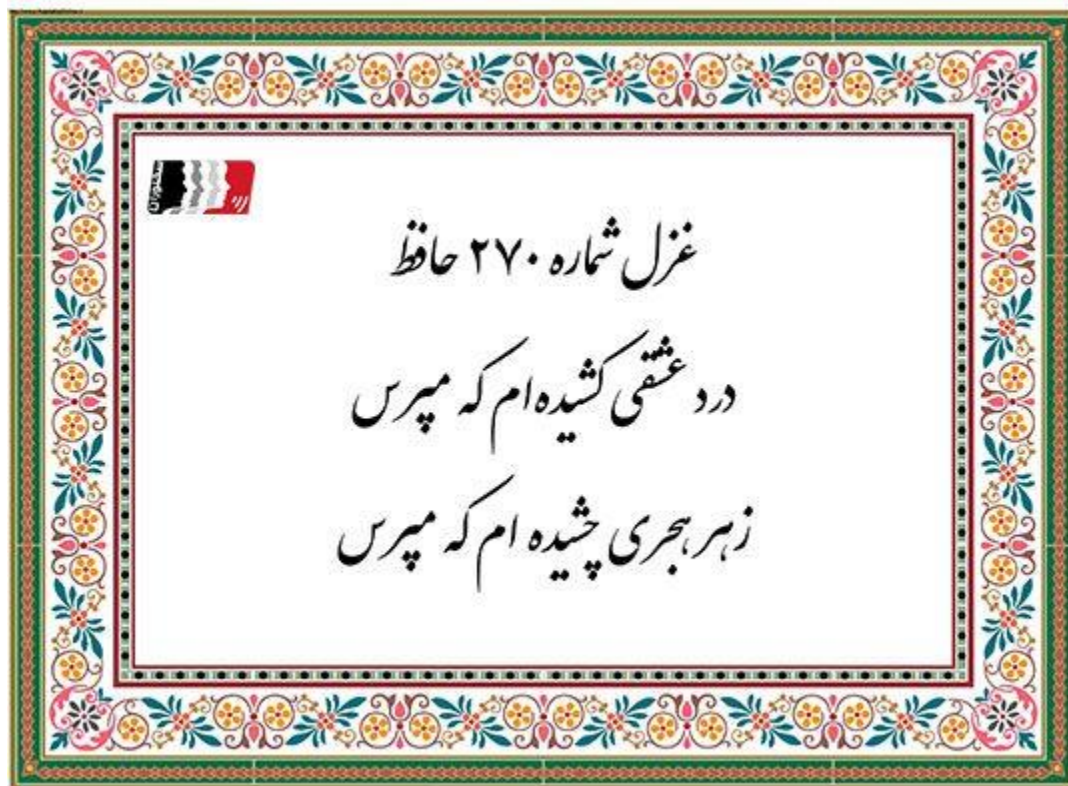
متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۲۷۰ حافظ

درد عشقی کشیده ام که می‌پرس  
زهر هجری کشیده ام که می‌پرس

غزل ۲۷۰ حافظ با درد عشقی کشیده ام که می‌پرس آغاز می‌شود. وزن غزل درد عشقی کشیده ام که می‌پرس، فاعلاتن مفاعیلن فعلات (بحر خفیف مسدس مخبون مقصور) می‌باشد. در ادامه می‌توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. در شرح و تفسیر از کتاب شرح سودی بوسنوی، شرح حافظ دکتر خطیب رهبر، دکتر عبدالحسین جلالیان و شرح شوق دکتر حمیدیان بهره گرفته شده است.

آنچه در ادامه می‌خوانید:

- ۱- متن غزل
- ۲- شرح و تفسیر غزل
- ۳- معنی غزل و لغات



متن غزل ۲۷۰ حافظ

دردِ عشقی کشیده‌ام که مپرس  
زهرِ هجری چشیده‌ام که مپرس

گشته‌ام در جهان و آخرِ کار  
دلبری برگزیده‌ام که مپرس

آن چنان در هوایِ خاکِ دَرَش  
می‌رود آبِ دیده‌ام که مپرس

من به گوشِ خود از دهانش دوش  
سخنانی شنیده‌ام که مپرس

سوی من لب چه می‌گزی که مگوی  
لبِ لعلی گزیده‌ام که مپرس

بی تو در کلبه‌ٔ گداییِ خویش  
رنج‌هایی کشیده‌ام که مپرس

همچو حافظ، غریب در رهٔ عشق  
به مقامی رسیده‌ام که مپرس

شرح و تفسیر غزل ۲۷۰ حافظ

دردِ عشقی کشیده‌ام که مپرس  
زهرِ هجری چشیده‌ام که مپرس

اختلاف نسخ: در برخی نسخ به جای زهر هجری، دُرْدِ هجری آمده است: درد هجری چشیده‌ام که مپرس

زهر هجر: [ ز ر ه ] تلخی جدایی

معنی بیت: درد عشقی را متحمل شده‌ام که از آن سوال مکن و تلخی و زهر جدایی را نوش کرده‌ام که قابل وصف و بیان نیست

---

گشته‌ام در جهان و آخرِ کار  
دلبری برگزیده‌ام که مپرس

آخر: [ خ ] پایان، انتها، انجام

معنی بیت: همه جهان را گشته ام در پایان چنان یار و دلبری انتخاب کرده ام که زیباییش قابل وصف نیست

---

آن چنان در هوای خاکِ دَرَش  
می رود آبِ دیده ام که مَپُرس

در هوای: در آرزوی

آب دیده: [ب] اشک چشم

معنی بیت: در آرزوی خاک آستان درگاه و دیدار جمالش، چنان اشک از چشمانم جاری می شود که نگو و نپرس

---

من به گوشِ خود از دهانش دوش  
سخنانی شنیده ام که مَپُرس

معنی بیت: من دیشب به گوش خود چنان سخنان عجیبی از دهانش شنیده ام که قابل بیان نیست

---

سوی من لب چه می گزی که مگوی  
لبِ لعلی گزیده ام که مَپُرس

لب لعل: [ل] [ب] [ل] لب سرخ

لب گزیدن: [ل] [گ] [د] [ل] [س] نمودن به گزیدن لب . پشیمانی یا خشم نمودن با گزیدن لب . تنبه دادن و منع کردن

معنی بیت: چرا با دندان لب را گاز می گیری و به من اشاره می کنی که ساکت باش، من چنان لبِ نوشینِ لعل فامی را بوسیده ام که حلاوت و شیرینی آن گفتمی نیست.

---

بی تو در کلبه گدایی خویش  
رنج هایی کشیده ام که مَپُرس

معنی بیت: بدون تو در خانه فقیرانه خویش چنان درد فراقی کشیده ام که به زبان در نمی آید

---

همچو حافظ، غریب در ره عشق  
به مقامی رسیده‌ام که مپرس

غریب: [غ] بیگانه

معنی بیت: مانند حافظ، غریب وار و دور از وطن، در راه عشق، به مرتبه و منزلتی رسیده‌ام که قابل درک و باور نیست

---

نویسنده: دکتر زند